

جایگاه هنر اسلامی در دکوراسیون داخلی

مؤلفین:

سید علی معراجی

سید حسینی

انتشارات کدیور

ناشر برگزیده سال ۹۵

سرشناسه	: معراجی، سیدعلی، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: جایگاه هنر اسلامی در دکوراسیون داخلی / مولفین سیدعلی معراجی، مسعود حسینی.
مشخصات نشر	: رشت: کدیور، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۷ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۹-۰۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: معماری اسلامی -- ایران
موضوع	: Islamic architecture -- Iran
موضوع	: معماری اسلامی -- ایران -- تاریخ
موضوع	: Islamic architecture -- Iran -- History
موضوع	: تزئین داخلی -- ایران
موضوع	: Interior decoration -- Iran
موضوع	: معماری ایرانی
موضوع	: Architecture, Iranian
موضوع	: هنر اسلامی -- ایران
موضوع	: Islamic art -- Iran
شناسه افزوده	: حسینی، مسعود، ۱۳۵۸ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ NA/۱۴۸۰م/۲ج۲
رده بندی دیویی	: ۷۲۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۳۰۹۵۰

عنوان: جایگاه هنر اسلامی در دکوراسیون داخلی

مولفین: سید علی معراجی - مسعود حسینی

ناشر: انتشارات کدیور

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

چاپخانه: رایگان

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر
متعلق به مولفین می باشد.

تماس با ناشر: ۰۹۱۲۴۲۶۲۷۱۴

فهرست مطالب

۹		مقدمه
۱۲		جمال و جلوه در هنر ایرانی
۱۴		نمادگرایی
۱۶		آخرت گرایی
۱۷		هنر و ادب
۲۹		ویژگیهای هنر معماری اسلامی
۳۲		انواع معماری در ایران
۳۷		تاریخچه معماری اسلامی
۴۶		مصالح ساختمان
۵۰		تزیینات در معماری اسلامی
۵۹		تاریخچه دکوراسیون و تزیینات معماری
۶۱		دکوراتور داخلی
۶۲		طراحی دکوراسیون داخلی
۷۰		هفت اصل در طراحی - معماری داخلی
۷۹		هنرهای ایرانی پنجره های ارسی در معماری ایران
۸۳		فرش
۹۹		چوب و کاربرد آن در دکوراسیون داخلی منزل
۱۰۲		رنگ عنصر اصلی دکوراسیون داخلی
۱۲۳		شیشه
۱۲۵		کاشیکاری
۱۳۷		مروری بر تاریخ پارچه های باستانی ایران
۱۴۷		فهرست منابع

مقدمه

دکوراسیون داخلی با استفاده از فضا و محتویات بر گرفته از نقوش و هنر کهن تا به امروز توانست جایگاه خود را در ایران اسلامی ارتقا دهد.

هنر ایرانی شکوهمند ترین افتخار خود را مدیون ظرفیت عظیمی است که در پذیرفتن و درک کردن مکتب اسلام از خود نشان داده هم نشینی و هم آوایی هنر اسلامی با اصول و اندیشه‌های اسلامی طی قرون متمادی توانست ویژگی منحصر به فرد و شاخصی را بدان ببخشد به طوری که به هنگ به تمدن و هنر اسلامی ایرانی الگو و راهبردی بر دیگر هنرها شد. نوشتاری که در پی میاید تاکید و تعیین برخی از ویژگی‌های برجسته و خاص چنین هنری است.

هنر مجموعه‌ای از آثار یا فرآیندهای ساخت انسان است که در جهت اثرگذاری بر عواطف، احساسات و هوش انسانی و یا به منظور انتقال یک معنا یا مفهوم خلق می‌شوند.

از مهمترین رشته‌های هنری می‌توان به هنرهای تجسمی (نقاشی، طراحی، تندیس‌گری، عکاسی و چاپ)، هنرهای نمایشی (تئاتر و رقص)، موسیقی، ادبیات (شعر و داستان)، سینما و معماری اشاره کرد.

واژه هنر در زبان سانسکریت، ترکیبی از دو کلمه به معنی نیک و نر یا نره به معنای زن و مرد است. در زبان اوستایی حروف "سین" به "ها" تبدیل شد و واژه هنور ایجاد گشته است که در زبان پهلوی یا فارسی میانه به شکل امروزی (هنر) درآمده است. که به معنای انسان کامل و فرزانه است. [نیازمند منبع] بریتانیکا هنر را به عنوان «استفاده نمایی و تخیل در خلق آثار زیبا، محیطی و یا تجاری که می‌توان با دیگران تقسیم شود» تعریف می‌کند.

در ادبیات ایران در دوره اسلامی این معنا دوباره دگرگون شد، و هنر به معنای کمال، فضیلت، هوشیاری، فضل، تقوی، دانش و کیاست و... به کار رفت، که دارای بار معنایی عام بود:

به دشمن نمایم هنر هرچه هست / ز مردی و پیروزی و زور دست

چون غرض آمد هنر پوشیده شد / صد حجاب از دل به سوی دیده شد

تقسیم بندی‌های هنر متنوع است؛ یکی از آن‌ها در حالت کلی آثار هنری را به دو دسته هنرهای زیبا و هنرهای کاربردی تقسیم می‌کند:

هنرهای کاربردی: منظور از هنرهای مفید هنرهایی است که نخست کارکرد و سودمندی آن‌ها اهمیت دارد و هدف از خلقشان کاربردشان بوده است. مانند: طراحی خودرو، معماری، طراحی صنعتی.

هنرهای زیبا: منظور از هنرهای زیبا هنرهایی است که تنها به دلیل بودنشان خلق شده‌اند. به عبارتی «نه به خاطر چیزی دیگر، بلکه به خاطر خودشان به وجود آمده‌اند». مانند: نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، رقص.

واژه هنر امروزه در زبان فارسی در معنایی متفاوت از گذشته به کار می‌رود و بیشتر منظور از آن اشاره به نتیجه خلق انسان‌ها در زمینه هنرهای زیبا است. معنای این واژه امروز معادلی برای واژه هنرهای زیبا در زبان انگلیسی است. به طور سنتی مجموعه هنرهای زیبا به ۷ دسته تقسیم می‌شوند:

موسیقی

هنرهای دستی: مجسمه سازی، شیشه نری، و ..

هنرهای ترسیمی: نقاشی، خطاطی، عکاسی و

ادبیات: شعر، داستان، نمایشنامه، فیلمنامه و نثر

معماری

رقص و حرکات نمایشی

هنرهای نمایشی: سینما، تئاتر و ...

وجوه مشترک آثار هنری عبارت‌اند از:

تخیل به عنوان مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری اثر هنری است

همه آثار هنری از عاطفه و احساس هنرمند سرچشمه می‌گیرند نه از تفکر منطقی و عقلانی

او چند معنایی بودن و منشور ماندی، وجه اشتراک سوم تمام آثار هنری است.

این جنبه از خصایص آثار هنری، در واقع از دو ویژگی قبلی که برشمردیم، نتیجه می‌شود. بدین معنی که هر پدیده‌ای که عنصر اصلی سازنده آن تخیل و عاطفه باشد، بی شک نمی‌تواند معنایی منجمد و تک بعدی داشته باشد. از این روست که هر کس در برابر آثار هنری می‌ایستد؛ دریافت و استنباط خاصی دارد. آثار هنری بسادگی می‌توانند بیان کننده زیبایی حقیقی یا احساسات باشند. تغییری که هنر بر روح انسان می‌گذارد تغییری عمیق و ماندگار و طولانی تر است. در نتیجه هر گاه خواهان اثرگذاری ماندگار باشیم، می‌توانیم از هر یک از رشته‌های هنری به فراخور نیازمان بهره ببریم. همانطور که در روانشناسی این بحث به اثبات رسیده است، جهان از مجموعه‌ای از افراد تشکیل شده است، پس اگر بخواهیم در سریعترین حالت بر تعداد زیادی از افراد تأثیرگذاری داشته باشیم می‌توانیم از اسباب هنر استفاده کنیم، که هنر موسیقی و هنرهای نمایشی چهره از طریق حس شنوایی و حس بینایی به سرعت درک می‌شوند، می‌توانند توأم با یکدیگر به سرعت و در بعد جهانی تأثیری ژرف، عمیق، ماندگار و طولانی در جوامع به وجود می‌آورند.

هنرهای صناعی یا سنتی، هنرها و صنایع خفیه‌ای هستند که در طول سده‌های متمادی با حفظ ریشه‌ها و سنت‌های خود رشد کرده مراحل شکل‌گیری خود را گذرانده یا می‌گذرانند.

هنرهای سنتی ایران را می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

۱. شعر و ادبیات

۲. موسیقی

۳. معماری و هنرهای وابسته

۴. نمایش‌های سنتی و آیینی

۵. صنایع مستظرفه

صنعت و صنایع مستظرفه مقیاسی برای سنجیدن درجهء تکامل معنوی و روحی یک ملت است. در این جهان میان هزاران محسوسات که ما در زیر نفوذ حواس پنجگانهء خود از وجود و چگونگی آنها باخبر می‌شویم بعضی چیزها هست که ما بی اختیار آنها را بیشتر دوست می‌داریم. روح ما و قلب ما مجذوب آنها می‌شود بدون آنکه از آنها یک فایدهء عملی و آتی برای ما

حاصل گردد. مثلاً وقتی که در جلو یک پرده نقاشی که ثمره قوای دماغی و روحی یک صنعتکار را نشان می‌دهد می‌ایستیم ساعت‌ها مشغول تماشای آن و غرق حیرت و تعجب میشویم.

که بجز موارد بالا همه آثار هنری را شامل می‌شود هنر مقدس همواره دو غایت بنیادی داشته است. اول زیبایی صورت عبادات و دوم نگهداری و حفاظت از آن. دومین ممیزه هنر مقدس بدان حقیقت رجوع می‌کند که اسلام صرف زیبایی را مطلوب تلقی نکرده، بلکه زیبایی را با کمال مورد تأمل قرار می‌دهد. آنچه منشا نقوش پراکنده و مایه پراکندگی خاطر است در قلمرو هنر اسلامی نفی می‌شود، از اینجا هرگونه آرایش زرین یا جامه‌های فاخر در عبادات طرد می‌گردند. به تعبیر دیگر، آداب دینی هنر الهی است از آنجا که گونه‌ای جلوه‌گری و سمبولیسم - در سطحی از شکلها و حائله‌های آدمی - برای جستجوی راهی به ماورای همه مظاهر و اعیان وجود است در مسیحیت این آداب نیایشی است - مانند عشای ربانی و آداب خاص مسیحی - متضمن هنر مقدس یعنی معماری و شمایل نگاری مسیحی که از برجسته‌ترین مظاهر هنر مسیحی هستند. با توجه به معنای ذاتی عبادات اسلامی، و هنری که به زیبا کردن آن متوجه است، در عالم اسلامی به گونه‌ای دیگر فیضان و انعکاس هنری آداب دینی را می‌بینیم، یعنی جدا از مفهوم شمایل نگاری در عبادات مسیحی که در ضمن نوعی هنر تلقی می‌شود. معمولاً از عبارت هنرهای صناعی برای اشاره به بخش از صنایع دستی که بیش از فن به هنر وابسته‌اند استفاده می‌شود.

تاملی در ویژگی‌های معنوی هنر ایرانی

جمال و جلوه در هنر ایرانی

هنر ایرانی شکوهمندترین افتخار خود را مدیون ظرفیت و قابلیت عظیمی است که در پذیرفتن و درک کردن مکتب اسلام از خود نشان داده است.

همنشینی و هماوایی هنر اسلامی با اصول و اندیشه‌های اسلامی طی قرون متمادی توانست ویژگی‌های منحصر به فرد و شاخصی را بدان ببخشد به طوری که فرهنگ، تمدن و هنر اسلامی

ایرانی الگو و راهبردی بر دیگر هنرها و هنرمندان اقلیم دور و نزدیک شد. نوشتاری که در پی می‌آید تاکید و تعیین برخی ویژگی‌های برجسته و خاص چنین هنری است.

شخصیت ذاتی (ماهیت، هویت) هنر ایرانی تا حدی، از تنش‌های ایجاد شده به وسیله پیشینه جغرافیایی و فرهنگی مربوط به آن ناشی می‌شود، زمینه‌ای که با توجه به نتایج زیبایی‌شناسی آن می‌توان به شکلی مختصرتر به صورت شماری از دوگانگی‌ها بیان کرد: بیابان و آبادی، چادرنشینی و سکنی‌گزینی، معقول و احساساتی، نور و سایه، سادگی و پیچیدگی، خطوط مستقیم و منحنی.

به این قیاس‌های ساده، تمایز میان آنچه که اساساً اسلامی است و آنچه که صرفاً در درون حوزه فرهنگی اسلام قرار دارد را نیز باید افزود بویژه در دوران‌های بعدی که این دوگانگی‌ها و آنچه از خارج اقتباس شده عاقل، تداوم و اعتبار طولانی هنر ایرانی است. چنین حالت‌های دوگانه، هنر ایرانی را تضمین می‌کند، به آن هیجان و تداوم خارق‌العاده‌ای می‌بخشد. البته باید بر این نکته تاکید کرد که یکی از دو قطب لزوماً نباید طوری عمل کند که قطب دیگر را دفع یا حذف کند. در تقابل با این موضوع، ترکیب کردن و انتقال سریع از یک قطب به قطب دیگر احساساتی نشاط‌آمیز یا شگفتی‌آور را ایجاد می‌کند.

نظم

دومین ویژگی مهم، تفهیم عمیق نظم است. از تأثیرات و ریشه‌های خاص هنر ایرانی، این ویژگی دوگانگی‌های زیباشناسی، تضادهای میان سادگی و تزیین را تعدیل کرده و بهبود می‌بخشد. اما به ندرت می‌توان این‌گونه اظهار نظر کرد که این ویژگی خود بخشی از یک سیستم دوگانه است. زیرا تأثیر تصادفی و نتیجه اتفاقی و بدون ترتیب جفت متضاد آن اگرچه کاملاً در هنر اسلامی حضور ندارد ولی نادر است. معنی و مفهوم نظم در نظریه اسلامی ریشه دارد که معتقد است وجود هر شیء به خواست خداوند بستگی دارد و هر چیز دارای جایگاه خاص خود در پیشگاه الهی است. در حوزه هنر، تفسیر بسیار واضح این موضوع، اتکای قابل توجه بر هندسه است. هر دو در حوزه تزئین به صورت مبانی طرحهای معماری مطرح می‌شوند. در روشی کلی‌تر، معنی و مفهوم نظم، به نقطه اوج نقوش سازمان یافته در سطوح زینتی، تعلق